

اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام

اکبر ساجدی*

جواد نعمتی**

سید محسن عرفانی‌راد***

چکیده

در اندیشه سیاسی اسلام اصل «حفظ عزت مسلمانان» و «نفی سلطه بیگانگان» از اهمیت خاصی برخوردار است. اقتدار علمی از لوازم مهم دو اصل یاد شده می‌باشد. تبیین فرایند جهاد علمی و بررسی جایگاه و زیرساخت‌های اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام موضوع اصلی نوشتار حاضر است. نویسندگان مقاله با محور قرار دادن اندیشه سیاسی اسلام و به ویژه بیانات مقام معظم رهبری، کوشیده‌اند؛ اولاً، فرایند جهاد علمی را به منظور رسیدن به اقتدار علمی تبیین کرده، ثانیاً، جایگاه اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام را روشن ساخته و ثالثاً، زیرساخت‌های اقتدار علمی، از قبیل «حقانیت دین اسلام»، «اسلام و علم»، «تبادل فکری» و «سلطنت علم» را توضیح دهند.

واژگان کلیدی

اقتدار علمی، جهاد علمی، اندیشه سیاسی اسلام.

مقدمه

اندیشه سیاسی اسلام با ابتدا بر مبنای توحیدی، پذیرش هر گونه زور و ستم را برنتافته و خواستار گسترش عدالت در سطحی جهانی است. این اندیشه که بر پشتوانه‌ای به عظمت قرآن و سنت متکی است، به روز

akbarsajedi@gmail.com

jnemati@yahoo.com

erfanim@chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۷

*. استادیار دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

**مدرس گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

***عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز.

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۱۲

بودن خود را در هر زمان و مکان به منصف ظهور رسانده است. آیات قرآن و روایات و سیره معصومان به خوبی نشانگر این واقعیت هست که جهاد در راه خدا برای نفی سلطه کفر و نفاق و برپایی حکومت توحیدی، در سرلوحه آموزه‌های اصیل اسلامی قرار دارد.

از لوازم جدایی‌ناپذیر نفی سلطه کفار و برپایی حکومت عدالت‌گستر توحیدی، دستیابی به قدرت و فتح قله‌های علمی است. اقتدار علمی در بین عرصه‌های دیگر اقتدار، نظیر سیاست، اقتصاد و فرهنگ از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انقلاب اسلامی امروزه با کسب سه دهه تجربه افتخارآمیز در دوران دفاع مقدس و سازندگی، به قدرت برتر و بلامنازع سیاسی در منطقه تبدیل شده است. بدون شک عرصه‌های پیش روی نظام اسلامی بیشتر از عرصه‌های پیشین آن است و اقتدار علمی در تمامی عرصه‌های علمی از علوم و فنون نظامی گرفته تا رشته‌های گوناگون علوم انسانی، نیاز جدی نظام اسلامی است.

حال باید دید که اندیشه سیاسی اسلام، چه فرایندی را برای دستیابی به اقتدار علمی طراحی کرده است؟ آیا می‌توان دستور قرآنی جهاد را از فرایندهای مزبور برشمرد؟ جایگاه اقتدار علمی و زیرساخت‌های آن در اندیشه سیاسی اسلام چیست؟

رهبر فرزانه انقلاب چندسالی است که به مناسبت‌های گوناگون توجه اندیشمندان ایرانی را به تولید علم، خودکفایی علمی، بومی‌سازی علوم و جنبش نرم‌افزاری جلب کرده است. پیشرفت علمی کشور از دغدغه‌های اصلی ایشان بوده است. جامعه علمی و دانشگاهی کشور مفاهیمی نظیر جنبش نرم‌افزاری، اقتدار علمی، تولید علم، استقلال علمی و جهاد علمی را به کرات در دوازده سال اخیر از ایشان شنیده‌اند.

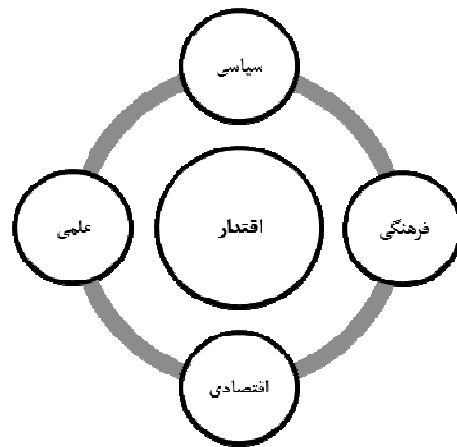
اقتدار در اندیشه اسلام

اقتدار از مهم‌ترین موضوعات روابط بین‌الملل بوده و در ادبیات سیاسی به معنای «قدرت مشروع» می‌باشد، آن‌چنان‌که گاهی هم راستای «مشروعیت» به کار می‌رود. (راش، ۱۳۸۸: ۵۸) اگرچه صاحب‌نظران، اختلاف نظرهایی درباره معنی و مفهوم قدرت و اقتدار دارند، اما همگی بر اهمیت این دو مفهوم (قدرت و مشروعیت) در ساختار نظام جهانی تأکید می‌کنند.

از منظر اندیشه اسلامی منشأ قدرت خداست (بقره / ۱۶۵) و هیچ قدرتی نیز جز به مشیت الهی و غیر از ناحیه او پدید نمی‌آید. (کهف / ۳۹) طبیعتاً مشروعیت قدرت هم باید از سوی خدا تنفیذ شود.

به عبارت دیگر، اسلام هیچ قدرت فی نفسه و بالذات دیگری جز خداوند را در عالم به رسمیت نمی‌شناسد. انتشار اقتدار در اسلام از رأس به ذیل است؛ چنان‌که اقتدار پیامبر تابع و جلوه‌ای از قدرت خدا است که به جانشینان او اعم از حاکمان و عالمان منتقل گردیده است.

برای اقتدار عرصه‌هایی را می‌توان در نظر گرفت: اقتدار سیاسی، اقتدار اقتصادی، اقتدار فرهنگی و اقتدار علمی.



نمودار ۱. (چهار عرصه مهم اقتدار)

۱. اقتدار سیاسی

در اندیشه سیاسی اسلام حکومت اسلامی باید مستقل بوده و تحت سلطه بیگانگان قرار نگیرد. قرآن به صراحت از استقلال سیاسی سخنی به میان نیاورده، ولی آیات بسیاری به ویژگی‌هایی از امت اسلامی اشاره می‌کند که بیانگر مفهوم استقلال سیاسی است. (شفیعی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۵) به عنوان نمونه در قرآن کریم تأکید شده است که هیچ راهی برای سلطه کفار بر مسلمانان وجود ندارد و آنان هرگز نباید بر مسلمانان چیرگی یابند:

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا. (نساء / ۱۴۱)

و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

بر این اساس، سفارش می‌شود که مؤمنان کافران را ولی خود قرار نداده، (نساء / ۱۴۴) به آنان اعتماد نداشته باشند. (هود / ۱۱۳) قرآن، مسلمانان را از پیروی اهل کتاب و مشرکان، بازداشته (آل عمران / ۱۴۹) و از افشای اسرار محرمانه به مشرکان نهی می‌نماید. (آل عمران / ۱۱۸)

طبیعی است که نفی گرایش به کفار و مشرکان، به استقلال جامعه انجامیده و راه تقویت قدرت سیاسی مسلمانان را هموار می‌سازد. (سیدباقری، ۱۳۹۰: ۹۲)

پیروزی انقلاب اسلامی نمونه بسیار روشنی برای این نوع از اقتدار است. این انقلاب با شعار نه شرقی نه غربی، راه جدیدی نشان داد و با پرداخت هزینه‌های سنگینی، استقلال و شعار راهبردی خود را حفظ کرد و موفق شد این نگرش استراتژیک را به عنوان یک انقلاب اصیل در جهان مطرح کند. (بصیری، ۱۳۹۱: ۱۶۲)

۲. اقتدار اقتصادی

مسلمانان باید با برنامه‌ریزی‌های اقتصادی به خودکفایی برسند؛ به این معنا که توان رفع نیازهای خود را

دست کم در سطح تولیدات حیاتی و استراتژیک با تأمین سطح مطلوب از رفاه برای افراد جامعه داشته باشند. (عباس نژاد و دیگران ب، ۱۳۸۴: ۱۹۷)

تجرباتی که نظام جمهوری اسلامی از دوران هشت سال دفاع مقدس کسب کرد، بسیار حائز اهمیت است. مدیریت انقلاب اسلامی با تکیه بر معنویت انقلاب می‌توانست زمینه مساعدی برای حرکت‌های بنیادی در ابعاد مختلف مورد نیاز خود به دست آورد. اهمیت اقتدار اقتصادی برای کسانی که از شعله‌ور شدن آتش جنگ به قحطی رسیده‌اند، بسیار روشن است. ایرانیان در تجربیات مکرری که در تجاوز بیگانگان و ایجاد قحطی به دست آورده بودند، به خوبی بر اهمیت مصرف کمتر و ذخیره‌سازی آگاه بودند. معنویت‌گرایی مردم نیز مانع از ضربه‌پذیری اقتصاد انقلاب خصوصاً در زمان جنگ شد. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۷: ۲۹۲ - ۲۹۱)

۳. اقتدار فرهنگی

مسلمانان باید فرهنگشان را متناسب با باورها و ارزش‌های خود طراحی کنند. بیگانگان حق ندارند در مسائل فرهنگی مسلمانان از قبیل طرح لباس، نوع خانه، آداب و رسوم دخالت کرده و نظر خود را بر آنان تحمیل نمایند. تسلط بیگانگان بر فرهنگ مسلمانان مورد پذیرش اسلام نبوده و در عوض آنچه اسلام به مسلمانان سفارش می‌کند، گرفتن خوبی‌ها از دیگران و به‌برداری از تجارب جهانی است. (عباس نژاد و دیگران الف، ۱۳۸۴: ۱۶۹)

انقلاب اسلامی در دوران دفاع مقدس نشان داد که می‌تواند به خوبی فرهنگ سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی را مهار کرده، زهد و ساده‌زیستی را بر اساس تعالیم اسلام، جانشین آن سازد. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۷: ۲۹۶)

امام راحل به شدت مراقب نفوذ تفکر سرمایه‌داری در بدنه نظام و دفاع مقدس بودند و در این راستا فرمودند: «آنان که رفاه‌طلبی با مبارزه را قابل جمع می‌دانند، آب در هاون می‌کوبند و با القبای مبارزه بیگانه‌اند». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱ / ۹۴)

۴. اقتدار علمی

اقتدار علمی یکی از گونه‌های مختلف اقتدار است. این نوع اقتدار از جانب یک رهبر سیاسی یا یک گروه یا یک نظام سیاسی بر پایه دانش، تخصص و عقلانیت و فن‌آوری در سطوح مختلف داخلی و بین‌المللی اعمال می‌گردد. (ایمانی سطوت، ۱۳۸۷: ۱۲۱)

بر اساس این تعریف، منظور از اقتدار علمی آن دسته از ویژگی‌هایی است که به علم، ماهیتی از جنس قدرت و اعتبار می‌دهد.

مقام معظم رهبری علم را مایه اقتدار ملی، قدرت ملی، ثروت ملی و سربلندی کشور می‌دانند و می‌فرمایند:

علم مایه قدرت و ثروت است. اگر کشور شما و نظام جمهوری اسلامی باید به این قدرت و اقتدار دست پیدا کند تا بتواند از ملت خود، از کشور خود، از ارزش‌های خود و از نظام خود پشتیبانی کند و مصونیت بیخشد - که قدرت فایده‌اش این است؛ اقتدار برای زورگویی به

دیگران نیست، برای جلوگیری از زورگویی دیگران است - و اگر در کنار این به ثروت احتیاج دارد تا بتواند مشکلات گوناگونی را که میراث سال‌ها حکومت استبدادی در این کشور است برطرف کند، باید علم را به دست بیاورد. برای یک ملت، علم وسیله‌ای است برای رسیدن به اقتدار ملی و ثروت ملی. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵)

مسلمانان باید در علوم مورد نیاز به اقتدار رسیده و تولید علم بر اساس مقتضیات دینی و بومی را جزو اولویت‌های ضروری بدانند. طبیعی است که اگر مسلمانان در دانش‌های مورد نیاز خود دائماً به بیگانگان نیازمند باشند، دو آسیب جدی بر پیکر جامعه اسلامی وارد خواهد شد: اولاً عزت و اقتدار مسلمانان از بین خواهد رفت، ثانیاً علم و دانش بدون رعایت تناسب‌های دینی و ملی به متن جامعه اسلامی وارد خواهد شد. تجربیات دوران دفاع مقدس نمونه خوبی برای تولید علم جنگی بر مبنای اسلامی است. در این دوران، استراتژی دفاعی و تهاجمی بر اساس مبانی کلاسیک و علوم نظامی تغییر کرده و دنیا با شکلی از دفاع مواجه شد که نیروی انسانی و اراده درونی او نقش اول را در دفاع داشت. عنصر ایمان و عشق به خدای متعال، امروزه مقوله‌ای است که در محافل علمی و نظامی جهان به عنوان یک استراتژی نوین مورد مطالعه است. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۷: ۳۲۵)

همه کارشناسان مباحث استراتژیک و سیاسی در دوران دفاع مقدس اعتراف کردند که ایران با بهره‌گیری از تعلیم و آموزه‌های دینی، توانست جوانان را برای دفاعی همه‌جانبه بسیج کند و بار دیگر ثابت نماید که عنصر دین و عشق به خدا، می‌تواند جبهه‌ای مستحکم و نفوذناپذیر به وجود آورد که طی هشت سال در برابر تهاجم همه‌جانبه دشمن مقاومت کند. (همان: ۳۲۶)

این اندیشه که بر قرآن و سیره نبوی و علوی تکیه داشت، در هدایت و فرماندهی همه زوایای دفاع مقدس، کارآمدی دین اسلام را به اثبات رسانده و بر فرضیه کسانی که مدیریت دینی را در برابر مدیریت علمی مدرن، ناکارآمد می‌دانند، عملاً خط بطلان کشید. (همان: ۳۲۷)

اندیشه سیاسی اسلام

اسلام به عنوان دینی جامع و کامل همه ابعاد انسان را مورد توجه قرار داده است. از بعد فردی و جسمی گرفته تا بعد اجتماعی و روحی مورد عنایت این برنامه آسمانی است. از مهم‌ترین ابعاد مورد نیاز انسان مسائل اجتماعی اوست. زندگی جمعی انسان طبیعتاً باید از قوانینی پیروی کند که ضامن سعادت او بوده باشد. جدای از ورود به این نکته که آیا انسان به تنهایی قادر به کشف قوانین اجتماع می‌باشد و یا برای آن به راهنمایی پیامبران نیاز است، این نکته قابل انکار نیست که بخش مهمی از آموزه‌های اسلامی در رابطه با قوانین زندگی جمعی است. در آموزه‌های اسلامی پرسش‌های اساسی اجتماعی و سیاسی به خوبی پاسخ داده شده‌اند. پرسش‌هایی از قبیل:

۱. حق حکومت از آن کیست؟ ۲. حکومت چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ ۳. آیا حکومت باید تنها به رفاه مادی و امنیت مردم بیندیشد، یا آنکه در قبال سعادت و خیر جامعه نیز مسئول است؟ ۴. چه تعاریفی از خیر و سعادت جامعه وجود دارد و با چه معیارهایی مشخص می‌شود؟ ۵. عدالت اجتماعی چه جایگاهی در تصمیم‌گیری و اداره امور جامعه دارد؟ ۶. در تعارض عدالت اجتماعی با آزادی‌های اقتصادی و فردی، تقدم با کدام یک از این دو ارزش است؟ این گونه پرسش‌های اساسی و بنیادین در فلسفه سیاسی مطالعه و بررسی می‌شود. مکاتب مختلف سیاسی که از آن به ایدولوژی‌های سیاسی تعبیر می‌کنیم، بر اساس نوع پاسخ به این پرسش‌ها شکل می‌گیرند. (واعظی، ۱۳۸۳: ۱۸)

مجموعه پاسخ‌های آموزه‌های اسلامی به پرسش‌های فوق را می‌توان «اندیشه سیاسی اسلام» نامید. بنابراین می‌توان چنین اذعان کرد که اندیشه سیاسی اسلام، مجموعه‌ای نظام‌مند از گزاره‌هایی است که نه تنها ناظر به مسائل سیاسی و اجتماعی است، بلکه مسائل بنیادین اعتقادی از قبیل توحید، نبوت، معاد و ... نیز در آن ظهور و بروز دارد.

جایگاه اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام

برای دستیابی به اندیشه سیاسی اسلام در باب اقتدار علمی بهتر است به جایگاه قدرت و علم در قرآن نگاه داشته باشیم.

قرآن اولاً، عالمان مؤمن را به بلندمرتبه‌گی ستوده (مجادله / ۱۱) و ثانیاً، علم را سرچشمه قدرت سیاسی معرفی کرده است. قرآن در جریان طلوت، علم و قدرت جسمانی او را عامل پادشاهی او معرفی می‌کند و می‌فرماید: «و او را در دانش و [نیروی] بدن بر شما برتری بخشیده است». (بقره / ۲۴۷)

تقدم توانایی علمی بر توانایی جسمی، نشان از اهمیت بیشتر آن دارد. (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱ / ۳۹۲)

قرآن در داستان سلیمان و انتقال تخت ملکه یمن به سرزمین شام، به قدرت و علم آصف بن برخیا اشاره می‌کند. (نمل / ۴۰) در این آیه به روشنی تبیین می‌شود که قدرت و توان بالای فرد، همراه با علم است که عامل آن کار غیر عادی است.

ارتباط میان «علم» و «قدرت» را در جریان هم‌آوردی داود با جالوت نیز می‌توان دید. در قرآن آمده است که خدا به داود، پادشاهی و حکمت داد و آنچه می‌خواست به او بیاموخت. (بقره / ۲۵۱)

«پادشاهی»، «جلوه‌گاه قدرت سیاسی»، «حکمت» و «آموزش خداوند» به داود و سلطنت او همراه با علم و دانش، همه در کنار یکدیگر به کار رفته است. در آیات دیگر نیز به روشنی می‌فرماید: «ما به داود و سلیمان علم دادیم». (نمل / ۱۵) و در جای دیگری می‌فرماید: «از بنده ما داود قدرتمند که همواره به درگاه ما توبه می‌کرد یاد آور». (ص / ۱۷)

از کنار یکدیگر قرار دادن این دو آیه بر می‌آید که خداوند به داود «علم» و «قدرت» هم‌زمان عطا کرده است

و در آیه دیگری با توجه به علم و قدرتی که دارد، او را خلیفه، داور و حاکم در میان مردم قرار می‌دهد. (ص / ۲۶) برآیند این آیات از ارتباط وثیق علم و قدرت پرده بر می‌دارد. (سیدباقری، ۱۳۹۰: ۹۶ - ۹۴)

درباره نوع مناسبات قدرت و دانش، دو دیدگاه عمده وجود دارد: برخی دانش و برخی قدرت را مقدم و زمینه‌ساز دیگری می‌دانند. از یک منظر، زندگی تابعی از علم است و درست زندگی کردن، تابعی از درست دانستن است و در مقابل، برخی تمدن را بر علم مقدم می‌دانند؛ یعنی اراده تمدنی و اقتضائات مدنی را مقدم می‌شمارند؛ بنابراین علم تابعی از شیوه زندگی است. (فیرحی، ۱۳۸۴: ۱۷، ۲۳) به نظر می‌رسد دیدگاه قرآن کریم در دیدگاه اصالت دانش و تقدم آن بر قدرت جای دارد. (سیدباقری، ۱۳۹۰: ۹۶)

البته در اینکه قدرت و علم هر دو ارزش آلی دارند، اختلافی نیست. آن روز که حضرت امیرالمؤمنین در اعتراض ابن عباس که چرا این قدر کفش‌های کهنه‌اش را وصله می‌زند، فرمود:

به خدا قسم این پاره کفش، دوست‌داشتنی‌تر است نزد من، از حکومتی که بر شما دارم، مگر این که در سایه آن حقی را زنده کرده باشم! (نهج البلاغه، خطبه ۳۳)

از این حقیقت پرده برداشت که در اندیشه سیاسی اسلام، قدرت و حکومت، جز برای اقامه حق ارزشی ندارد. علم نیز ارزشی آلی دارد. از نظر اسلام، تولید و تحصیل علم، هدف غایی نیست، بلکه مقدمه‌ای است بر اهدافی متعالی. اهدافی چون اعتلای کلمه حق.

ما همه این مطالب علمی را از آن رو می‌خواهیم و به آنها مسلح می‌شویم که به وسیله آنها برای حمایت از اسلام به میدان گیرودار و جنگ با دشمنان اسلام و دین وارد شویم. وگرنه مجرد اطلاع و ژرف‌کاوی در مطالب اصولی و فقهی دقیق و تبحر کامل در این علوم، باعث هیچ‌گونه تغییری در وضع اسلام نمی‌شود و وضعیت اسلام را یک گام هم به پیش نمی‌برد. مشکلی از مشکلات اسلام را حل نمی‌کند و دردی از دردهای امت را نمی‌کاهد.

... انسان باید پیوسته به این مطلب توجه داشته باشد که «مقدمه» به «غایت» تبدیل نشود. باید میان مقدمات و اهداف خلط نکنیم. پس علم در شرایط کنونی نیرویی از نیروها و سلاحی از سلاح‌ها است و باید به تمامی سلاح‌ها در خدمت اسلام مسلح شویم. یکی از سلاح‌هایی که باید در خدمت اسلام به آن مسلح شویم همین علم است. یعنی اسلام واقعی را بشناسیم تا در مقام ترویج اسلام و بلند کردن کلمه آن و تبلیغ احکام آن و ایستادگی رو در روی جریانات کفرآمیزی که زندگانی مسلمانان را احاطه کرده است و از هر سو و با هر لباسی به عالم اسلام حمله‌ور شده است، قدرتی در دستمان باشد. (صدر، ۲۰۱۰: ۱ / ۱۲ - ۹)

جهاد علمی برای اقتدار علمی

جهاد از دستورهای مهم اسلام بوده و در قرآن بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. در اندیشه اسلامی جهاد به عنوان یکی از فروع فقهی، از واجبات کفایی است. هر چند متبادر از این واژه، جنگ رزمی است، اما با عنایت

به برخی از آیاتی که آن را مطرح کرده، می‌توان معنای وسیعی از آن برداشت نمود.

قرآن در کنار دستور جهاد، عنصر مال و جان را مطرح می‌کند:

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (توبه / ۴۱)

در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید.

جهاد با مال معنای مشخصی دارد. مصداق بارز جهاد با جان نیز جنگ رزمی و شهادت در راه خداست، اما می‌توان مصداقی دیگری از قبیل جهاد علمی را نیز برای عنوان جهاد با جان در نظر گرفت. مقام معظم رهبری از معدود اندیشمندانی است که موضوع جهاد علمی را به صورت مبسوط و مفصلی در چند سال اخیر مطرح کرده‌اند. معظم‌له در سخنرانی‌ها و بیانات مختلفی که داشته‌اند بر وسعت معنای جهاد تأکید داشته‌اند.

امروز درس خواندن، علم‌آموزی، پژوهش و جدیت در کار اصلی دانشجویی، یک جهاد است.

(بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۱۶)

جهاد یعنی حضور در میدان با مجاهدت، با تلاش، با هدف و با ایمان؛ این می‌شود جهاد. لذا «جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (توبه / ۴۱)؛ جهاد با نفس، جهاد با مال. جهاد با نفس کجاست؟ فقط به این است که توی میدان جنگ برویم و جانمان را کف دست بگیریم؛ نه، یکی از انواع جهاد با نفس هم این است که شما شب تا صبح را روی یک پروژه تحقیقاتی صرف کنید و گذر ساعات را نفهمید. جهاد با نفس این است که از تفریحتان بزنید، از آسایش جسمانی‌تان بزنید، از فلان کار پرپول و پردرآمد - به قول فرنگی‌ها پول‌ساز - بزنید و تو این محیط علمی و تحقیقی و پژوهشی صرف وقت کنید تا یک حقیقت زنده علمی را به دست بیاورید و مثل دسته گل به جامعه‌تان تقدیم کنید؛ جهاد با نفس این است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۴/۰۲)

در نگاه رهبر معظم انقلاب جهاد معنایی بسیار عام و عمیق دارد. هر چیزی که هم جد و جهد و هم مقابله با دشمن باشد، جهاد است. در زمان جنگ مسلحانه جهاد رزمی است، در میدان فرهنگی، جهاد فرهنگی است و چنانچه در میدان سیاست یا در میدان علم و دانش باشد، جهاد سیاسی و جهاد علمی است. از نظر ایشان «تلاش و کوشش» شرط اول و «در مقابل دشمن بودن» شرط دوم جهاد است. بنابراین در جمهوری اسلامی ایران، هر کسی به طریقی در برابر این دشمن که از هر طرف تیرهای زهرآگین را بر جسم این نظام و کشورهای اسلامی نشانه رفته است کوششی بکند، جهاد فی سبیل الله کرده است.

من جوانان عزیز را به یک مجاهدت حقیقی دعوت می‌کنم. مجاهدت فقط جنگیدن و به میدان جنگ رفتن نیست. کوشش در میدان علم، اخلاق، همکاری‌های سیاسی و تحقیق برای مردم نیز جهاد محسوب می‌شود. ایجاد فرهنگ و اندیشه صحیح در جامعه نیز جهاد است. اینها، همه جهاد در راه خدا و جهاد فی سبیل الله است. طرف این جهاد، مستکبران، دشمنان و کسانی

هستند که با اسلام، ایران، هویت، ملیت، اسلامیت و صفت‌های اسلامی عناد و دشمنی دارند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۲/۰۶)

از دیدگاه رهبری تولید علم یکی از پایه‌های جهاد است.

تولید کار، تولید علم، تولید فناوری، تولید ثروت، تولید معرفت، تولید فرصت، تولید عزت و منزلت، تولید کالا و تولید انسان‌های کارآمد؛ اینها همه تولید است. رمز سعادت ملت ما در این است که در این گستره وسیع، هم دولت و هم ملت، بر این تولید همت بگماریم. این تأمین کننده امنیت ملی و اقتدار و پیشرفت کشور است؛ این یک جهاد است. من امروز به شما عرض می‌کنم، هم به مسئولین و مأموران دولتی و هم به آحاد مردم، به خصوص به شما جوان‌ها؛ این یک جهاد است. امروز تولید علم، تولید کار، تولید ابتکار، تولید کالا، کالای مورد نیاز مردم، تولید انسان کارآمد، تولید فرصت و تولید عزت، هر کدام از اینها یک جهاد است. مجاهد فی سبیل الله تولید کننده است؛ باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید کنیم. ما باید یک کشور عالم بشویم. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۱/۰۱)

از این رو می‌توان چنین برداشت کرد که در اندیشه سیاسی اسلام، راه کار جهاد علمی به عنوان یک فرایند برای رسیدن به اقتدار علمی طراحی شده است.

زیرساخت‌های اقتدار علمی

برای خودکفایی علمی می‌توان زیرساخت‌هایی را طرح کرد، از قبیل: حقانیت دین اسلام، اسلام و علم، تبادل فکری و سلطنت علم.



نمودار ۲. (زیرساخت‌های اقتدار علمی)

۱. حقانیت دین اسلام

وقتی بخواهیم در جمله «ما باید به خودکفایی علمی دست یابیم» دقت کنیم، پرسشی مطرح می‌شود که منظور از «ما» کیست؟ قرآن، امت اسلامی را برترین امت‌ها دانسته (آل عمران / ۱۱۰) و با تعبیر «انتم الاعلون» (آل عمران / ۱۳۹) مسلمانان را ستوده است. بهترین امت یا به دلیل کامل‌ترین بودن اسلام است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۳ / ۴۸) و یا با توجه به حقیقت ایمان معلوم می‌گردد. ایمان واقعی با علو قرین است؛ چراکه ایمان بدون دو فضیلت تقوا و صبر به دست نمی‌آید و این دو ملاک ظفر و برتری است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴ / ۴۰)

۲. اسلام و علم

از نظر آموزه‌های اسلامی هر علمی که برآوردن نیازهای لازم جامعه موقوف به آن باشد، تحصیل آن علم بر مسلمانان لازم و واجب است. همچنین فنون و علوم که هر یک به نحوی نیازی از جامعه اسلامی را برآورده می‌کند و استقلال و سربلندی جامعه را تأمین می‌نماید و نفعی را عاید جامعه اسلامی می‌کند، مورد تأکید و تشویق اسلام است. (مطهری، ۱۳۷۴: ۲ / ۶۹)

یادگرفتن و یاد دادن علوم و صناعی که مورد احتیاج عموم است و هم چنین علوم و صناعی که سبب قوت و شوکت جامعه مسلمین و برتری قوای دفاعی آنها بر کفار می‌شود، بر همه واجب مؤکد است به وجوب کفایی و باید مسلمانان به نحوی قوی شوند که قطع طمع کفار را از بلاد و نوامیس و اعراض و اموال و معادن و ثروت خود بنمایند. (امام خمینی، ۱۴۲۴: ۲ / ۸۷۳)

در کتاب‌های فقهی فراگیری علم، با تقسیمی چهارگانه تبیین شده است:

۱. علمی که آموختنش بر هر انسان واجب است، عبارت است از خداشناسی، اثبات نبوت پیامبر و امامت و معاد؛ ۲. علمی که فراگیری آن واجب کفایی است، عبارت است از: علم اصول فقه، کیفیت استدلال و اقامه برهان و علم طب برای معالجه انسان‌ها، علم ریاضی، به جهت نیاز در معاملات، تقسیم ارث و ...؛ ۳. دانشی که تعلیمش مستحب است، هر دانشی است که مردم به اندازه نیاز جامعه به فراگیری آن مشغول‌اند؛ یعنی به اندازه کافی متخصص در آن رشته وجود دارد؛ ۴. علم حرام، هر علمی که آموختنش، به جهت قبح و ضررش از طرف شارع نهی شده است. مثل سحر، کهانت، قیافه و ... (حلی، بی تا: ۹ / ۳۷ - ۳۶)

نتیجه آنکه از نظر اسلام هر علمی که سودی به حال جامعه اسلامی داشته باشد، تحصیلش نسبت به سودی که برای جامعه دارد و نسبت به شرایط گوناگون درجه‌ای از مطلوبیت را داراست.

علم سکولار

اندیشه جدایی دین از عرصه‌های اجتماعی و دنیوی و اختصاص آن به ساحت فردی و اخروی حاصل مکتبی است که اصطلاحاً سکولاریسم^۱ نام گرفته است. این تفکر دست به هر امر آسمانی بزند، آن را زمینی می‌کند. اخلاق سکولار، اقتصاد سکولار، سیاست سکولار، علم سکولار و ... از شاخه‌های مهم سکولاریسم هستند که تماماً رنگ و لعاب دنیایی دارند. مقصود و هدف اصلی علوم سکولار، چیزی بیش از تأثیر دنیایی علوم نیست؛ در نتیجه علم سکولار، یعنی علمی که هدف اصلیش تأمین مصالح دنیوی است که دیگر مصالح معنوی و اخروی در آنجایی ندارد.

قداست‌زدایی از علم

دکتر سیدحسین نصر با تأکید بر سنت‌گرایی، اشتباه اساسی غرب را در کارهایی می‌داند که به جدایی معنویت

1. Secularism.

از دانش منجر شده است. وی در بیان انگیزه نگارش کتاب معرفت و معنویت چنین نوشته است:

نظرم این بود که به جای آنکه نقش یک متفکر غربی درجه دوم را بازی کنم بکوشم تا پاسخ راستین تفکر سنتی مشرق زمین را نسبت به آن اشتباهات اساسی غرب که بالاخره منجر به جدایی دانش از معنویت شد بیان کنم. (نصر، ۱۳۸۰: ۱۰ - ۹)

قداست‌زدایی امروز دامن‌گیر همه چیز شده است. علم سکولار محصول قداست‌زدایی از ساحت قدسی علم است. مؤلف کتاب معرفت و معنویت میان دوگونه عقل که در نهاد آدمی وجود دارد، فرق گذاشته و از یکی به «عقل استدلالی» و از دیگری به «عقل شهودی» تعبیر می‌آورد. وی بر این باور است که نادیده گرفتن عقل شهودی چیزی جز معنویت‌زدایی از ساحت معرفت به همراه نمی‌آورد. وی در این باره چنین نوشته است:

در دنیای متجدد، فروکاستن عقل شهودی به عقل استدلالی و محدود کردن قوه عاقله به زیرکی و زرنگی، معرفت قدسی را غیر قابل دسترس و بی‌معنا می‌سازد. (همان: ۳۳)

آنچه که متفکرانی چون آقای دکتر نصر به دنبال آن هستند تأکید بر این نکته است که زمینی کردن علم و دانش، جلوی پیمودن راه پیشرفت حقیقی را بر روی انسان می‌بندد و از این روست که باید قداست آسمانی را از ساحت علم و دانش دور نساخت.

ما می‌خواهیم کشور را علمی کنیم؛ اما هدف از علمی شدن کشور این نیست که کشور را غربی کنیم. اشتباه نشود. غربی‌ها علم را دارند، اما در کنار علم و آمیخته با این علم چیزهایی را هم دارند که از آنها می‌گریزیم. ما نمی‌خواهیم غربی بشویم؛ ما می‌خواهیم عالم بشویم. علم امروز دنیایی که عالم محسوب می‌شود، علم خطرناکی برای بشر است. علم را در خدمت جنگ، در خدمت خشونت، در خدمت فحشا و سکس، در خدمت مواد مخدر، در خدمت تجاوز به ملت‌ها، در خدمت استعمار، در خدمت خون‌ریزی و جنگ قرار داده‌اند. چنین علمی را ما نمی‌خواهیم؛ ما این‌چنین عالم شدن را نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم علم در خدمت انسانیت باشد، در خدمت عدالت باشد، در خدمت صلح و امنیت باشد. ما این‌چنین علمی می‌خواهیم. اسلام به ما این علم را توصیه می‌کند. ... ما دنبال علمی هستیم که ما را به معنویت، به انسانیت، به خدا، به بهشت نزدیک کند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲)

آن روزی که کشورهای اسلامی و به خصوص کشور ایران اسلامی ما از لحاظ علم سرآمد بود، آن روز ما هیچ کشوری را استعمار نکردیم، تو سر هیچ ملتی نزدیم، به هیچ ملتی زور نگفتم. اسلام علم را با ایمان، با کتاب و سنت، با تهذیب اخلاقی، با اخلاق و معنویت می‌خواهد. (همان)

از مطالب گذشته به خوبی برمی‌آید که اسلام اگر به علم و دانش تشویق کرده و اگر اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام جایگاه رفیعی دارد، همگی اینها با نگاه مقدس به علم توأم می‌باشد.

۳. مبادله فکری

انحصارگرایی در دین اسلام در نموده‌های گوناگونش مورد پذیرش نیست. اسلام حق به‌رمندی از حیات را برای همگان قائل بوده و کرامت انسانی را حتی در تعامل با دشمنان نیز مراعات می‌کند. در جریان جنگ صفین هنگامی که آب فرات در دست لشکریان معاویه بود، سربازان حضرت علی نتوانستند از آن به‌رمنند شوند، اما:

چون علی بر آب تسلط یافت و شامیان را از آن به دور راند، به معاویه پیام فرستاد: «ما آن رفتاری که تو با ما کردی با تو نکنیم، بیایید آب برگزید که ما و شما در بردن آب برابریم» پس هر یک از ایشان به نوبت به آبشخور در می‌آمدند. (نصربن مزاحم، ۱۳۷۰: ۲۶۴)

در اندیشه اسلامی هدف از رسیدن به علم گسترش حق و عدالت است، از این رو «مجادله‌های انحصارگرایانه سیاسی» در چرخشی معنادار جای خود را به «تبادل فکری» می‌دهد. لذا اگر مسلمانان به کشف حقیقتی نائل شدند، مبنای اسلامی بخل در آن را روا نشمرده و صدور آن را با شرایطی امری مطلوب و لازم می‌دانند. اصل تعامل را می‌توان از ضروریات سیاست خارجی در اندیشه اسلامی برشمرد:

سیاست خارجی بر نگرش اسبلامی به دنبال تنش نیست، بلکه تعامل را مبنای عمل خود قرار می‌دهد. البته مبنا قرار گرفتن تعامل بدین معنا نیست که با تمام دولت‌های جهان مصالحه صورت گیرد، بلکه به معنای ایجاد فضایی از دوستی با دولت‌هایی است که خاستگاه مردمی دارند. و از سویی به معنای دوستی با مردمی است که داعیه‌دار پیروی از عدالت در عرصه داخلی و بین‌المللی اند. (شفیعی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۹)

در اندیشه اسلامی زکات علم، نشر آن قلمداد شده است: «زکاة العِلْمِ نَشْرُهُ». (آمدی، ۱۳۶۵: ۴۴) با اندکی تأمل، دستور به ترویج علم و دانش را از آیه ۳۲ سوره مائده نیز می‌توان به دست آورد:

هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. (مائده / ۳۲)

در این آیه هر چند ظهور ابتدایی «احیاء» و «قتل»، معنای مادی آن است، اما با توجه به اینکه در برخی از روایت علم به حیات تفسیر شده است، احیا را می‌توان «یاد دادن علم به دیگران» دانست. مؤلف کتاب *غرر الحکم* بابتی را با عنوان «الفصل الحادی عشر فی آثار المعرفة» (آمدی، ۱۳۶۵: ۶۳ - ۶۲) گشوده و روایاتی را در آن نقل کرده است؛ از جمله: «دانش حیات است و ایمان نجات»؛ «دانش حیات و شفاست»؛ «دانش زنده کننده نفس و نوربخش عقل و میراننده جهل است» و «دانش را فراگیرید و در پناه آن حیات را به دست آورید».

با این حساب معلوم می‌شود که اسلام درباره علم دیدگاه انحصارگرایانه نداشته و ترویج و نشر علم را در

دستور کار مسلمانان قرار داده است. در برخی از آموزه‌ها بر اهلیت مخاطب نیز تأکید شده است:

زیبایی دانش در نشر آن است؛ و میوه آن در عمل کردن بدان؛ و حفظ آن با قرار دادنش در میان کسانی که اهلیتشان را دارند، به دست می‌آید. (آمدی، ۱۳۶۵: ۴۴)

در روایتی از حضرت امام صادق علیه السلام چنین نقل شده که حضرت فرمودند:

هر چیز زکاتی دارد، و زکات دانش این است که به اهلهش بیاموزی. (ابن فهد، ۱۴۰۷: ۷۲)

از نظر آموزه‌های اسلامی علم را باید به کسی آموخت که اهلیت آموختنش را داشته باشد و این سخن نسبت به نوع علم و مخاطبی که قرار است علم به او آموخته شود، فرق می‌کند.

در اندیشه اسلامی هر چند نگاه انحصارگرایانه به دانش و علم وجود ندارد، اما برخی از علوم و فنون جزو اطلاعات طبقه‌بندی حساب شده و در نتیجه فاش کردن آنها به دیگران و خصوصاً به دشمنان اسلامی امری ممنوع شمرده شده است. در فقه اسلامی رساندن اخبار و اطلاعات سری مسلمانان به دشمنان ایشان حرام و موجب تعزیر است. (طوسی، ۱۳۸۷: ۲ / ۱۵)

تبادل علمی را از زاویه دیگری نیز می‌توان نگریست. تبادل علمی کاری دو جانبه است، علمی را در اختیار دیگران می‌گذاریم و از دست‌آوردهای دیگران نیز استفاده می‌کنیم. ما هرگز دروازه‌های خود را به دست‌آوردهای نوین دیگران نمی‌بندیم. خودکفایی علمی به معنای بستن دروازه‌ها به فن‌آوری‌های نوین نیست.

در این رهگذر، استفاده از فن‌آوری‌های غرب در عین اهتمام به ارزش‌های دینی و یافته‌های بومی موجب گردید ارتباط وثیق علم و دین بر مبنای رویکرد غرب‌پژوهی به‌جای رهیافت غرب‌ستیزی یا غرب‌پذیری بر دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه کشورهای اسلامی حاکم شود و بدین ترتیب بازسازی فکری بر اساس تلفیق سنت و مدرنیته با تأکید بر بومی‌گرایی و تقویت هویت فرهنگی تمدنی و اقتباس آگاهانه از فناوری‌های نوین در جوامع مسلمان و مراکز علمی آنان رقم خورد. (دهشیری، ۱۳۸۲: ۱۱)

صدور علم

در بحث تبادل علمی هدفی متعالی وجود دارد و آن اینکه ما نه تنها می‌خواهیم به خودکفایی برسیم، و نه تنها باید علم مورد نیاز خود را خودمان تولید کنیم، بلکه بالاتر از آن باید چشم‌اندازی به خود ترسیم کنیم که سرآمد در علوم و فنون باشیم. مقام معظم رهبری انتظار خود را از جامعه علمی چنین بیان فرموده‌اند:

توقعم از جامعه علمی کشور این است که تا پنجاه سال دیگر صادرکننده علم به دنیا باشیم و این امر محالی نیست. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۰۹/۰۷)

در جای دیگری نیز فرموده‌اند:

همت نباید این باشد که ما فلان فناوری را که دیگران ساخته‌اند و ما همیشه از آنها می‌خریدیم

و وارد می‌کردیم، حالا فرض کنید می‌توانیم خودمان اینجا بسازیم. اینکه چیزی نیست. البته چیزی هست، کم اهمیت نیست؛ اما آن چیزی نیست که ما دنبالش هستیم. شما هدف را این قرار بدهید که ملت و کشور شما در یک دوره‌ای، بتواند مرجع علمی و فناوری در همه دنیا باشد. یک وقتی من در جمع جوان‌های نخبه گفتم: شما کاری کنید که در یک دوره‌ای - حالا این دوره ممکن است پنجاه سال دیگر یا چهل سال دیگر باشد - هر دانشمندی اگر بخواهد به آخرین فراورده‌های علمی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را که شما اثرتان را به زبان فارسی نوشته‌اید، یاد بگیرد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲)

از این رو می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که از نظر آموزه‌های اسلامی نه تنها علم حیات است و باید دیگران را در استفاده از آن سهیم نمود، بایستی در تولید علم سرآمد روزگار شد و عزت و عظمت اسلام را به منصفه ظهور رساند.

۴. سلطنت علم

به دست آوردن قدرت و تشکیل حکومت در اندیشه سیاسی اسلام هدفی میانه به حساب می‌آید. قدرت در اندیشه سیاسی اسلام، مساوی با سلطه‌گری نیست. اما در نظام سلطه‌گر، «حق» و «زور» مساوی با هم قلمداد می‌شود، تا جایی که تعریف انسان در «موجودی قدرت‌طلب و سیری‌ناپذیر» خلاصه می‌شود. رئالیسم دنیای غرب سیاست را بر مبنای تزویر و ریا و فریب تعریف می‌کند. (شفیعی فر، ۱۳۸۹: ۱۷)

آنچه اکنون می‌خواهیم آن را مورد بحث و بررسی قرار دهیم، بحث از سلطنت و قدرت علم در اندیشه سیاسی اسلام است.

بحث سلطنت علم از دو زاویه قابل بررسی است:

۱. در نظام سیاسی اسلام حاکم سیاسی باید از دو ویژگی فقاقت و عدالت برخوردار باشد. در حقیقت آنچه بر مردم حکومت می‌کند، زور و زر حاکم نیست، بلکه علم و تعهد او، حکمران است. یکی از وجوه امتیاز اندیشه سیاسی اسلام در مقایسه با سایر مکاتب سیاسی، ویژگی‌ها و شرایط خاصی است که برای زعیم سیاسی جامعه در نظر گرفته است. در بسیاری از دموکراسی‌های رایج، عنصر محبوبیت و قدرت جلب آراء، اهمیت خاصی دارد و کاملاً مقدم بر فضایل و ویژگی‌های فردی صاحبان اقتدار سیاسی است. مهم آن است که با توسل به تبلیغات و ژست‌های عامه‌پسند و طرح شعارهای جذاب، اذهان را به جهت خاصی متوجه ساخت و در میدان رقابت برای جلب آراء بیشتر به موفقیت دست یافت. در نظام سیاسی مطلوب اسلامی، کسی که ولایت سیاسی را بر عهده گرفته است، باید از کمالات و فضایل فردی خاصی بهرمند باشد. (واعظی، ۱۳۸۳: ۱۸۷)
۲. زاویه دوم بحث، مخصوص اندیشه اسلامی نیست، بلکه حقیقتی است عقلایی که در تمامی مکاتب و اندیشه‌ها مورد وفاق است.

علم با عرصه‌های بی‌پایانش در اختیار هر جامعه‌ای قرار گیرد، طبیعتاً قدرتی به دست آن جامعه خواهد داد. این حقیقت عقلایی را می‌توان در آموزه‌های اسلامی ردیابی کرد. برای نمونه حضرت علی علیه السلام علم را نگهبان و حکمران معرفی می‌کند. (نهج‌البلاغه، قصار ۱۴۷)

با تأمل در آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال / ۶۰) به دست می‌آید که قرآن مسلمانان را به تقویت بنیه نظامی در تمامی عرصه‌ها فرا خوانده است. اگر چه ظهور اولیه «مای موصوله» تجهیزات جنگی و نظامی است، اما اطلاق آن و نکره بودن کلمه «قوة» هر نوع قدرت و قوه‌ای را در برمی‌گیرد.

تعبیر آیه به قدری وسیع است که بر هر عصر و زمان و مکانی کاملاً تطبیق می‌کند. کلمه «قوة» نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرتهایی که به نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارد را شامل می‌شود. بنابراین علاوه بر اینکه باید از پیشرفته‌ترین سلاح‌های هر زمان بهره‌گیری کرد، باید به تقویت روحیه و ایمان سربازان که قوه و نیروی مهم‌تری است پرداخت. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۷ / ۲۲۲)

در روایات اسلامی برای کلمه «قوه» تفسیرهای گوناگونی شده که از وسعت مفهوم این کلمه حکایت می‌کند. مثلاً در بعضی از روایات کلمه «قوه» به «تیر» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵ / ۴۹)، «هرگونه اسلحه» (قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۷۹)، «شمشیر و سپر» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲ / ۶۶) و حتی به «خضاب کردن موهای سفید» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱ / ۱۲۳) تطبیق شده است. از نظر آموزه‌های روایی، مصادیق «قوه» آن قدر وسیع است که حتی رنگ موها را که به سرباز بزرگسال چهره جوان‌تری می‌دهد تا دشمن مرعوب گردد نیز شامل می‌شود. با عنایت به اهمیت علم، وجه دغدغه مقام معظم رهبری در مسئله تولید علم و جنبش نرم‌افزاری معلوم می‌گردد. موضوع سلطنت علم سالیانی است که مورد تأکید معظم له است. ایشان در عزت‌بخشی و استقلال‌آفرینی علم می‌فرماید:

کشوری که دستش از علم تهی است، نمی‌تواند توقع عزت، توقع استقلال و هویت و شخصیت، توقع امنیت و توقع رفاه داشته باشد. طبیعت زندگی بشر و جریان امور زندگی این است. علم، عزت می‌بخشد. جمله‌ای در [شرح] نهج‌البلاغه^۱ هست که خیلی جمله پرمغزی است. می‌فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ»؛ علم اقتدار است. «سلطان» یعنی اقتدار، قدرت. «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالَ بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيِلَ عَلَيْهِ»؛ (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۰ / ۳۱۹) علم اقتدار است. هر کس این قدرت را به چنگ آورد، می‌تواند تحکم کند؛ می‌تواند غلبه پیدا کند؛ هر کسی که این اقتدار را به دست نیاورد، «صیل علیه»؛ بر او غلبه پیدا خواهد شد؛ دیگران بر او قهر و غلبه پیدا می‌کنند؛ به او تحکم می‌کنند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲)

۱. این روایت را ابن‌ابی‌الحدید در بخش «الحکمُ المنسوبةُ إلى أمير المؤمنين علي بن أبي طالب»، با شماره ۶۶۰، نقل کرده است.

در اندیشه اسلامی استفاده از علم در راستای اهدافی متعالی است. وجه امتیاز اندیشه اسلامی با غیر آن در همین هدفهاست. مقام معظم رهبری درباره استفاده ابزاری از علم و دانش می‌فرماید:

از سلاح به وسیله علم استفاده می‌کنند؛ از جاسوسی و دزدی اطلاعات به وسیله علم استفاده می‌کنند؛ از زد و بند در جاهای مختلف دنیا به وسیله علم استفاده می‌کنند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲)

در اندیشه اسلامی نیز از علم و دانش به یک معنا استفاده ابزاری می‌شود. به عنوان مثال «دانش انرژی هسته‌ای» ایران اسلامی را توانمندتر از گذشته ساخته است و امروزه از این دانش استفاده ابزاری می‌شود، اما نه ابزار برای تهدید ملت‌ها، بلکه ابزاری برای اهدافی صلح‌آمیز.

سطوح مختلف خودکفایی علمی و نقش حکومت اسلامی در آن

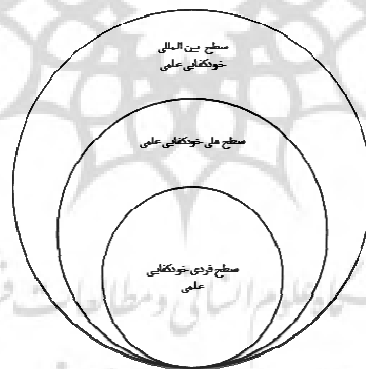
خودکفایی علمی را می‌توان در سه سطح: فردی، ملی و بین‌المللی مورد بررسی قرار داد.

سطح فردی خودکفایی علمی یعنی بررسی اینکه فرد فرد مسلمانان در رسیدن به خودکفایی علمی چه وظیفه‌هایی دارند؟

سطح ملی خودکفایی علمی، یعنی پاسخ به این پرسش که حکومت اسلامی نسبت به خودکفایی علمی چه وظایفی دارد؟

سطح بین‌المللی خودکفایی علمی هم بررسی ضرورت این مسئله در بین دولت‌های اسلامی است.

طبیعی است که نقش حکومت اسلامی به عنوان سطح ملی و همین‌طور نقش دول اسلامی در سطح بین‌المللی از اهمیت زیادی برخوردار خواهد بود.



نمودار ۳. (سطوح مختلف خودکفایی علمی)

حکومت اسلامی نسبت به خودکفایی علمی مسلمانان وظیفه دارد که از تمامی امکانات در جهت اعتلای علمی جامعه اسلامی استفاده کند. اعتلای علمی با سطوح گوناگونی که دارد جزو وظایف حکومت اسلامی است.

روزی شاید آموزش خواندن و نوشتن سطحی از وظیفه دولت اسلامی در نهضت علمی باشد و روزی هم فراهم کردن زمینه سفر به دیگر کشورها برای یادگیری صنایع و فنون جدید بر عهده دولت اسلامی بوده باشد. در سیره حضرت رسول اکرم نقل شده است که آن بزرگوار اسیران جنگی را در مقابل علم‌آموزی به چند مسلمان آزاد کرده است:

ابن سعد از شعبی نقل کرد که گفت: اهل مکه نوشتن بلد بودند، ولی اهل مدینه سواد نوشتن نداشتند. پس هر کس که مالی بابت فدیة نداشت، ده نوجوان مدینه را در اختیارش می‌گذاشتند تا به آنها نوشتن بیاموزند، هر زمان که آن ده نوجوان نوشتن را به خوبی فرا می‌گرفتند، ایشان نیز آزاد می‌شدند؛ چراکه آموختن فدیة آنها تعیین شده بود. زید بن ثابت از جمله کسانی بود که در آن دوران نوشتن آموخت. (صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۴ / ۶۹)

مقریزی شافعی قضیه مزبور را چنین نقل کرده است:

در بین اسیران کسانی بودند که می‌توانستند بنویسند، در حالی که در بین انصار هیچ کس نوشتن بلد نبود. و در بین اسیران کسانی بود که مال و منالی نداشت، پس از ایشان پذیرفته شد که در مقابل آموختن نوشتن به ده تن از نوجوانان آزاد گردند. (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱ / ۱۱۹)

معروف است که در ایام جنگ «حنین» به پیامبر اسلام خبر دادند که سلاح مؤثری (منجنیق) در یمن وجود دارد، پیامبر گرامی اسلام فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا علم ساخت آن سلاح را فرا گرفته و برای ارتش اسلام تهیه کنند. (ابن هشام، بی‌تا: ۲ / ۴۷۸؛ الواقدی، ۱۴۰۹: ۳ / ۹۲۷) هر دو قضیه تاریخی به خوبی نقش حکومت را در خودکفایی علمی نشان می‌دهد. پیامبر برای رسیدن به قلعه‌های دانش حد و مرزی نمی‌شناخت، از این رو بود که مسلمانان را به آموختن علم، هر چند در کشورهای دور تشویق می‌نمود:

علم آموزید، هر چند در چین بوده باشد؛ چراکه طلب علم بر هر مسلمانی واجب است. (فتال نیشابوری، ۱۳۸۶: ۱ / ۱۱)

نتیجه این تعالیم گهربار در جامعه اسلامی تمدن علمی باشکوهی است که مسلمانان را در طول تاریخ سرآمدان علم و دانش ساخت. نگاهی گذار به تاریخ علمی مسلمین این مدعا را اثبات می‌کند:

تثبیت و حفاظت از حکومت نوپای مسلمانان و توسعه فتوحات و دفع دشمنان، بیشترین توجه و نیروی مسلمانان صدر اسلام را مصروف خود کرده بود. از بعد علمی، بیشترین اهتمام آنان به قرآن کریم و احکام این کتاب مقدس معطوف بود و از علوم دیگر تنها به فقه، نحو و تاریخ فتوحات و مانند آن پرداختند، اما همین که اوج فتوحات فروکش کرد و حکومت قلمروی اسلامی ثبات یافت و مسلمانان از تدوین اساس علوم اسلامی فراغتی نسبی یافتند اهتمام و سیاست‌های تشویقی برخی از خلفای عباسی، با استفاده از ثروت‌های کلان بیت‌المال، توجه جامعه مسلمانان کم کم به سوی علوم و صنایعی جلب شد که عمدتاً در اختیار تمدن‌های غیر

مسلمان قرار داشت و موجب توسعه و تسهیل زندگی مادی آنها می‌شد. آنها که به برکت فرهنگ آسمانی اسلام و با استفاده از معارف الهی قرآن کریم از نظر فکری به حد بالایی از کمال رسیده بودند، تشنه کسب اطلاع از معارف و اندیشه‌های متفاوت ملل و تمدن‌های دیگر جهان بودند. منبع اصلی این اشتیاق آیات قرآن و احادیث بسیاری بود که مؤمنان را به کسب علم و فن ترغیب می‌کرد. (ولایتی، ۱۳۸۴: ۱ / ۹۳)

برای رسیدن مسلمانان به خودکفایی علمی، نقش بی‌بدیل حکومت اسلامی در سطح ملی و نقش دولت‌های اسلامی در سطح بین‌المللی را می‌توان از مطالب پیشین به خوبی مشخص ساخت.

خودباوری

نگرش زیربنایی به حقانیت دین اسلام نتیجه شیرینی مثل «خودباوری و اعتماد به نفس» را در سطح ملی در پی دارد. ملتی که می‌خواهد با کنار زدن نظام‌های فکری حاکم بر جهان، طرحی نو درافکند، باید به این باور رسیده باشد که می‌تواند. (عیوضی، ۱۳۹۱: ۲۲۱) امام خمینی با الهام از کلام الهی می‌فرماید:

اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود. انسان باورش این است که نسبت به آن کار ضعیف است، نمی‌تواند آن کار را انجام دهد. هر قدر قدرت ارتشی زیاد باشد، لکن قدرت روحی نداشته باشد و یا باورش آمده باشد که در مقابل فلان قدرت نمی‌تواند ایستادگی کند، این ارتش محکوم به شکست است. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۴ / ۱۹۴)

در نتیجه از آنجاکه اسلام حق است و امت اسلامی به دلیل تدینشان به این مکتب آسمانی از علو و عزت برخوردار هستند، امت اسلامی بایستی عزت و عظمت خود را در همه جنبه‌ها به ویژه در عرصه علمی حفظ کرده و هرگز راضی به ذلت نشوند.

نتیجه

- در یک جمع‌بندی کلی از محورهای یاد شده در مورد اقتدار علمی، نتایج ذیل به دست می‌آید:
۱. قدرت در اندیشه اسلامی منشئی الهی داشته و از اهداف میانی برای برپایی حاکمیت توحید و نفی طاغوت شمرده می‌شود؛
 ۲. آیات قرآن ارزش قدرت و علم را تبیین کرده و از ارتباط وثیق بین این دو، پرده برداشته است؛
 ۳. قرآن مسلمانان را به جهاد با مال و جان دعوت می‌کند و می‌توان جهاد علمی را از مصادیق جهاد با جان قلمداد کرد؛
 ۴. اندیشه سیاسی اسلام، جهاد علمی را به عنوان یک فرایند برای رسیدن به اقتدار علمی طراحی کرده است؛
 ۵. برای رسیدن به جایگاه اقتدار علمی در اندیشه سیاسی اسلام، بایستی زیرساخت‌های آن را مورد بررسی قرار داد؛

۶. بدون حق فرض کردن اسلام، نمی‌توان جایگاه اقتدار علمی را در اندیشه سیاسی اسلام مشخص ساخت. خودکفایی علمی هدفی جز اعتلای کلمه حق را دنبال نمی‌کند و پیش فرض اصلی آن حقانیت دین اسلام است؛
۷. علم و دانش در فرهنگ اسلامی با قداست توأم است، در نتیجه منظور از علم در «خودکفایی علمی» نیز علم مقدس است. از این رو علم سکولار به هیچ وجه در اندیشه اسلامی جایگاهی ندارد؛
۸. اسلام، علم را حیات و احیای دیگران را وظیفه مسلمانان می‌داند، از این رو اقتدار علمی با هدف «تبادل علمی» دنبال می‌شود، نه از روی برتری‌جویی و مجادلات سیاسی؛
۹. اهمیت سلاح علم اگر بیشتر از سلاح‌های عادی نباشد، کمتر از آن نیست؛
۱۰. اهمیت خودکفایی علمی در سطح حکومت اسلامی و دولت‌های اسلامی بیشتر از سطح فردی آن است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۴. ابن‌فهدحلی، ۱۴۰۷ ق، عدة الداعی، بی‌جا، دارالکتاب الاسلامی.
۵. ابن‌هشام، عبدالملک، بی‌تا، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، بیروت، دارالمعرفة.
۶. ایمانی سطوت، علی، ۱۳۸۷، «مبانی فرهنگی اقتدار علمی در ایران»، نشریه نگرش راهبردی ویژه نامه اقتدار علمی - اقتدار ملی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، شماره ۹۸ و ۹۷.
۷. آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۵، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۸. بصیری، محمدعلی، ۱۳۹۱، «بررسی انقلاب اسلامی ایران بر اساس رابطه ساختار - کارگزار در تئوری‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲۹.
۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۰۴/۰۲.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۰۵/۱۶.
۱۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان نمونه و ممتاز دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱/۰۹/۰۷.
۱۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲.
۱۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی، ۱۳۸۷/۰۶/۰۵.
۱۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۰۶.

۱۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۵/۰۱/۰۱.
۱۶. حلی، علامه حسن بن یوسف، بی تا، *تذکرة الفقهاء*، قم، آل البیت.
۱۷. امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۹، *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. _____، ۱۴۲۴ ق، *رساله توضیح المسائل*، تصحیح سید محمد حسینی، قم، انتشارات اسلامی.
۱۹. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۸۲، «تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر روابط بین الملل»، *فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۷ و ۸.
۲۰. راش، مایکل، ۱۳۸۸، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت.
۲۱. سیدباقری، سید کاظم، ۱۳۹۰، «ماهیت و مؤلفه‌های قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم»، *کتاب نقد*، شماره ۵۹ و ۶۰.
۲۲. شفیع فری، محمدرضا، ۱۳۸۹، «سیاست تعاملی ضد نظام سلطه»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۲۲.
۲۳. صالحی شامی، محمد بن یوسف، ۱۴۱۴، *سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد*، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۴. صدر، سیدمحمدباقر، ۲۰۱۰، *ومضات مشرقة، اعداد و تنظیم: السید احمد الحسینی*، بصره، مؤسسة الکتور الثقافیة.
۲۵. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی، قم، انتشارات اسلامی.
۲۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ۱۳۸۷، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، تصحیح سیدمحمد تقی کشفی، تهران، المکتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۲۸. عباس نژاد، محسن و دیگران، ۱۳۸۴ الف، *قرآن، مدیریت و علوم سیاسی*، تهران، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۲۹. _____، ۱۳۸۴ ب، *قرآن و اقتصاد*، تهران، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۳۰. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، *تفسیر العیاشی*، تهران، چاپخانه علمیه.
۳۱. عیوضی، محمد رحیم، ۱۳۹۱، «روند دگرگونی‌های ارزشی در ایران پس از انقلاب اسلامی از ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۲۹.
۳۲. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، ۱۳۸۶، *روضه الواعظین*، قم، انتشارات رضی.
۳۳. فیرحی، داود، ۱۳۸۴، *قدرت، دانش، مشروعیت*، تهران، نشر نی.
۳۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۳۵. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ق، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا.
۳۸. مقریزی، تقی‌الدین احمد بن علی، ۱۴۲۰ ق، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال والأموال والحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. منصوری لاریجانی، اسماعیل، ۱۳۸۷، آشنایی با معارف دفاع مقدس، انتشارات خادم الرضا، قم.
۴۱. نصر بن مزاحم، ۱۳۷۰، پیکار صفین، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۴۲. نصر، سیدحسین، ۱۳۸۰، معرفت و معنویت، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۴۳. واعظی، احمد، ۱۳۸۳، حکومت اسلامی در سنامه اندیشه سیاسی اسلام، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۴۴. الواقدی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ ق، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
۴۵. ولایتی، علی‌اکبر، ۱۳۸۴، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.





پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني